

متن پرسش

با سلام و عرض ادب، خدمت استاد ارجمند و مخاطبان محترم: چند روز پیش خبر شهادت شهید والامقام اصغر پاشاپور (آقای اصغر) رسید، و وجود سراپا تقصیرم را غرق در اندوه و درد کرد، و هنوز هم آرام نمی‌گیرد، همواره فکر مشغول است و سوالاتی ذهنم را درگیر کرده، و گفتم، مصدع اوقات شریف حضرتعالی شوم. به امید مرحمتی. ۱. چگونه است که فردی حدود ۸ سال در بدترین شرایط، در میان آتش و خون زندگی کند، و در چهل سالگی حتی یک موی سفید هم نداشته باشد؟ مگر در این کارزار چه می‌بیند؟ این چه چشمی است؟ ۲. این شهید بزرگوار شاگرد کدام استاد بوده؟ شرح فصوص را نزد چه کسی خوانده؟ جنود عقل و جهل را با کدام استاد کار کرده؟ چگونه بدون استاد، می‌شود مظهر آیات الهی، تفسیر کتاب منطق الطیر، و آنچه در ادبیات عرفا هست را به ظهور می‌آورد؟ این چه قلبی است؟ ۳. این شهید عزیز چه چیز در کلام رهبر و پیر و مرادش می‌شنود، که اینگونه شیدایی در وجودش موج می‌زند، و می‌شود تفسیر آفاق و انفس «ففرؤا الی الله»؟ و بنده ناچیز، که تقریباً سایت رهبری عزیز را از حفظم، می‌شوم، همه ی آنچه از (بل هم اضل) می‌شود تفسیر کرد، و می‌شوم «کمثل الحمار یحمل اسفارا»؟ این گوش از کدام جنس است؟ ۴. هر چند نمی‌خواهم سوالاتم بوی سیاست بدهد، ولی چگونه است که گاهی اصغرها، اکبر می‌شوند، و اکبرها، اصغر؟ التمس دعا.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱. برای تحقق عزت اسلام. ۲. در منظر خود، حضرت روح الله «رضوان الله تعالی علیه» را به عنوان استاد راه یافتند. ۳. رهبر معظم انقلاب را مافوق آن که بخواهند از رهنمودهای ایشان تبعیت کنند، تصدیق کرده‌اند و خود را با آهنگ این مرد الهی هماهنگ نموده‌اند. ۴. باید خود را توانسته باشند در جهان پر از بی‌معنایی درست معنا کرده باشند. عریضی در جزوه‌ی «در جستجوی عشق گمشده در محضر شهدای هویزه» شده است که ان شاء الله این روزها بر روی سایت قرار می‌گیرد. موفق باشید